

دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

موضوع پایان نامه

عوامل همگرایی و واگرایی در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

استاد راهنما

دکتر اصغر جعفری ولدانی

استاد مشاور

دکتر سید یحیی صفوی

محقق

ربابه جوادی

بهمن ۱۳۸۹

به پاس تعبیر عظیم و انسانی شان از کلمه ایثار و از خودگذشتگان

به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودشان که در این سردترین روزگاران
بهترین پشتیبان است

به پاس قلب های بزرگشان که فریاد رس است و سرگردانی و ترس در پناهشان به
شجاعت می گراید

و به پاس محبت های بی دریغشان که هرگز فروکش نمی کند

این مجموعه را به مادر و پدرم تقدیم می کنم

فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱- بیان مسئله.....
۲- سؤال تحقیق.....
۳- فرضیه تحقیق.....
۴- متغیرهای تحقیق.....
۵- ادبیات تحقیق (پیشینه تحقیق).....
۶- اهداف تحقیق.....
روش تحقیق.....
۸- روش گرد آوری اطلاعات و داده ها.....
۹- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح.....
۱۰- سازماندهی تحقیق.....

.....منابع فصل اول

فصل دوم: چارچوب نظری تحقیق

.....۱-مباحث تئوریک همگرایی

.....۱-۱-فدرالیسم

.....۱-۲-نظریه منطقه گرایی کارل دویچ

.....۱-۳-مفهوم ارتباطات

.....۱-۴-نظریه دیوید میترا

.....۱-۵-نظریه ارنست هاس

.....۱-۶-اندیشه همگرایی منطقه ای

.....۱-۱-۶-تعریف و مفهوم همگرایی منطقه ای

.....۲-۱-۶-همگرایی اقتصادی

.....۳-۱-۶-همگرایی سیاسی

.....۴-۱-۶-همگرایی اجتماعی

.....۵-۱-۶-همگرایی ارتباطاتی - سازمانی

.....۲-واگرایی: معنی و مفهوم

.....جمع بندی فصل دوم.....

.....منابع فصل دوم.....

فصل سوم: شورای همکاری خلیج فارس وعوامل همگرایی و واگرایی در آن

.....مقدمه.....

.....گفتار اول: شورای همکاری خلیج فارس.....

.....۱-۱-تاریخچه و علل تشکیل شورای همکاری خلیج فارس.....

.....۱-۲-وضعیت جغرافیایی شورای همکاری خلیج فارس.....

.....۱-۳-اهداف و مضامین شورا.....

.....۱-۱-۳-اهداف اقتصادی.....

.....۱-۳-۲-اهداف امنیتی.....

.....۱-۴-تشکیلات و ارکان شورا.....

گفتار دوم:عوامل واگرایی در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

.....۱-عوامل درون منطقه ای.....

.....۱-۱-جهت گیری های متفاوت در سیاست خارجی.....

.....۱-۲- ساختار نامتوازن قدرت در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

.....۱-۳- اختلافات ارضی و مرزی

.....۱-۴- ساختار اقتصادی کشورهای عضو شورا

۲- عوامل فرامنطقه ای

.....۲-۱- حضور کشورهای فرامنطقه ای عاملی در واگرایی کشورهای ساحلی خلیج فارس

.....۲-۲- دخالت بیگانگان

گفتار سوم: عوامل همگرایی در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

.....۱- عامل نزدیکی و مشترکات جغرافیایی

.....۲- عامل مذهبی-دینی

.....۳- عوامل فرهنگی- اجتماعی

.....جمع بندی فصل سوم

.....منابع فصل سوم

فصل چهارم: همگرایی اقتصادی و سیاسی در شورای همکاری خلیج فارس

.....مقدمه

گفتار اول: همگرایی سیاسی در شورای همکاری خلیج فارس

.....۱-۱-روند سیاستگذاری خارجی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس.....

.....۱-۲-شورای همکاری خلیج فارس و بحث جزایر سه گانه.....

.....۱-۳-رویکرد شورای همکاری خلیج فارس در قبال پرونده هسته ای ایران.....

.....۱-۴-رویکرد شورای همکاری خلیج فارس به روند صلح خاورمیانه.....

گفتار دوم: همگرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس

.....۲-۱-روند همگرایی اقتصادی شورای همکاری خلیج فارس.....

.....۲-۲-مکمل نبودن ساختار و تولیدات اعضاء.....

.....۲-۳-روابط اقتصادی- تجاری شورای همکاری خلیج فارس با اروپا.....

.....۲-۳-۱-مؤاقتنامه همکاری اتحادیه اروپا و شورای همکاری.....

.....جمع بندی فصل چهارم.....

.....منابع فصل چهارم.....

فصل پنجم: همگرایی دفاعی- امنیتی در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

.....مقدمه.....

.....۱-روند همگرایی دفاعی- امنیتی در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس.....

.....۲- رویکرد آمریکا به خلیج فارس.....

.....۳- روابط نظامی - امنیتی آمریکا با کشورهای حوزه ی جنوبی خلیج فارس.....

.....۴- روابط نظامی و امنیتی برخی از قدرتهای اروپایی با شورای همکاری خلیج فارس.....

.....۵- وضعیت نظامی و دفاعی - امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس.....

.....جمع بندی فصل پنجم.....

.....منابع فصل پنجم.....

.....نتیجه گیری.....

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

.....۱- کتابهای فارسی.....

.....۲- مقالات فارسی.....

.....۳- سایتها.....

ب) -منابع انگلیسی

.....۱- کتابهای انگلیسی.....

انسان همواره نیازمند به ارتباط و وابستگی می باشد، بدون برقراری پیوند و ارتباط متقابل انسان ها نخواهند توانست نیازهای خود را برطرف سازند. ایجاد و برقراری رابطه، لازمه رفع احتیاج خواهند بود، در همگرایی و پیوستن به یکدیگر است که می توان به سطح توسعه یافتگی و برطرف کردن نیازها و احتیاجات رسید. در این میان از زمانی که انسان توانست، آتش را کشف کند و یا خط را اختراع کند همواره در صدد ایجاد برقراری و ارتباط با همنوع خود بوده است. به مرور زمان، روند برقراری همکاری میان گروههای انسانی، ابعاد گوناگونی را سپری کرده است؛ با گذشت زمان و تکامل فکری انسان، این روند نیز بهتر و بیشتر شده است. همگرایی و واگرایی میان انسان ها همیشه وجود داشته است، بطوریکه یکی بدون دیگری معنی و مفهوم پیدا نمی کند.

همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد در روابط دولتها و یا بازیگران سیاسی می باشد. شکل گیری، بقا و یا سقوط فرایند همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولتها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی خود است. به عبارتی بازیگری که تن به شرکت در فرایند همگرایی یا واگرایی با سایر بازیگران را می دهد به این می اندیشد که این عمل تا چه اندازه منافع او را تأمین و تهدیدات را از او دور می سازد. بنابراین فلسفه این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران در پرتو شکل گیری آنها تشکیل می دهد. فرایند همگرایی و واگرایی در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولتها، از احساس و درک هدف و منفعت مشترک و یا برعکس آن اهداف و منافع متعارض شروع می شود و سپس مراحل بعدی آن ادامه پیدا می کند و نیروهای اصل و یا کاتالیزور به تقویت روند کمک کرده تا فرایند را کامل نمایند. این فرایندها از حیث تجلی فضایی ممکن است در مقیاسهای محلی، منطقه ای و جهانی شکل بگیرند. مرحله پایانی فرایندهای مزبور را یکپارچگی با پیامدهایی چون امنیت، صلح و توسعه، و یا بر عکس تجزیه با پیامدهایی چون تنش، جنگ و توسعه نیافتگی تشکیل می دهد.

امروزه برای پیشبرد همگرایی و همکاری میان کشورها در حوزه های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و دفاعی، چه در سطح منطقه ای و چه در سطح بین المللی، اتحادیه ها یا سازمان هایی بوجود می آید که با برخورداری از ساختارهای رسمی و بر اساس توافق چند جانبه میان دولت ها به صورت فراملی عمل می کنند. بدین ترتیب تلاشهای مشترک و آگاهانه برای تسهیل مراودات میان کشورها و اقدامات جمعی از طریق سازمان های منطقه ای و بین المللی که دارای چارچوب کمابیش دائمی هستند صورت می پذیرد. از جمله تلاشهایی که در سطح منطقه خلیج فارس به منظور افزایش همگرایی و همکاری شکل گرفته است؛ سازمان شورای همکاری خلیج فارس می باشد که با عضویت کشورهای عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات متحده عربی، کویت، عمان، در مه ۱۹۸۱ همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران با اهداف مختلف سیاسی، دفاعی، امنیتی، اقتصادی و... شکل گرفت. این پژوهش تلاش دارد عوامل توانمند ساز همگرایی و همچنین عوامل واگرایی را بررسی نموده و روند اقدامات شورای همکاری را در جریان همگرایی مد نظر قرار دهد. بنابراین این پژوهش با این سؤال شروع می شود که شورای همکاری خلیج فارس به سمت همگرایی حرکت می کند یا واگرایی؟ فرضیه ای که برای این سؤال مطرح شده است این است که شورای همکاری در بعضی زمینه ها (حوزه ی سیاسی) به سمت همگرایی و درحوزه های اقتصادی و امنیتی _دفاعی بیشتر به سمت واگرایی حرکت می کند و تلاشهای شورا جهت همگرایی در این زمینه ها قرین مؤفقت نبوده است.

فصل اول: کلیات تحقیق

۱- بیان مسئله

در دنیای کنونی جوامع و کشورها برای یک ثبات منطقه ای، جهت تأمین هر چه بیشتر منافع ملی، نیازمند روابط دوستانه در یک منطقه و نظام بین الملل می باشند، تأمین منافع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، همگی در دنیای کنونی نیازمند روابط چند جانبه کشورها در منطقه جغرافیایی بلافصل خود و در نظام فرامنطقه ای می باشد. به ویژه کشورهایی که در یک حوزه جغرافیایی دارای علایق مشترک هستند، نیازمند به ارتباط می باشند. در جهان ژئواکونومی و نظم نوین جهانی که ابرقدرت ها هر یک به زعم خود تعریفی از آن دارند دست یابی به یک همگرایی منطقه ای در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس ضروری به نظر می رسد. یکی از راههای تحقق همگرایی منطقه ای تشکیل سازمان بین کشورهای آن منطقه است.

شورای همکاری خلیج فارس در ۲۵ ماه مه ۱۹۸۱ (پنجم خرداد ۱۳۶۰) ظاهراً با اراده مستقل کشورهای جنوب خلیج فارس یعنی شش کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی، عمان، بحرین، قطر، کویت در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران جهت حمایت از ناسیونالیسم عرب و هراس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بوجود آمد. اما بطور قطع و یقین آنچه انگیزه شکل گیری این نهاد را بین این کشورها تقویت نمود قدرتهای برون منطقه ای و در صدر آنها آمریکا بود و آنچه آمریکا را به این سیاست سوق داد پیروزی انقلاب اسلامی ایران و خروج این کشور از وابستگی به بلوک غرب و آمریکا بود. بعد از دهه استعمارزدایی (۱۹۷۱) و خروج استعمار انگلیس از این منطقه که اختلافات ارضی و مرزهای مسئله دار که هر آن ممکن است با رقابتهای درون منطقه ای و قدرت نامتوازن اعضاء در این سازمان تبدیل به بحران شود میراث آن می باشد و پیروزی انقلاب و در نتیجه خروج ایران از ژاندارمی

منطقه (پیمان ستو، سیاست دوستونی نیکسون) در راستای نظام امنیت دسته جمعی کارتر رئیس جمهوری وقت آمریکا (استعمارفرانو) ترتیبات جدید امنیتی جهت پر کردن خلأ منطقه استراتژیک خلیج فارس؛ این سازمان (آنچنان که در اساسنامه ذکر شده است) با اهداف وحدت و همبستگی بین خود، همگرایی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و همکاری های بهداشتی، رفاهی، گمرکی و... شکل گرفت ولی در واقع بیشترین تلاش شورا در جهت همکاری دفاعی و امنیتی بود که از جمله در جنگ عراق علیه کویت شاهد آن بودیم چنانچه ناکارآمدی شورا در جلوگیری از جنگ و حمایت از کویت، زمینه های حضور قدرتهای خارجی را (عملیات طوفان صحرا) در منطقه را هموار نمود و کشورهای عضو پایگاههای نظامی در اختیار نیروهای خارجی قرار دادند.

یک بررسی اجمالی در منطقه خلیج فارس حاکی از آن است که بسیاری از شرایط و زمینه های همگرایی در این منطقه وجود دارد. همبستگی اجتماعی و تمامی عوامل کمک کننده به این همبستگی از جمله عوامل فرهنگی، تاریخی و میراث مشترک در سطح بالایی در منطقه به چشم می خورد. به عبارت دیگر در کنار قرابت جغرافیایی و تاریخی شاهد قرابت و تجانس اجتماعی و فرهنگی حول محور اسلام و ارزشهای دینی هستیم. اما نکته حائز اهمیت این است که با این تفصیل چرا هنوز در این منطقه فرآیند همگرایی در حد ناقص و ناتمام است.

بررسی امکان سنجی همگرایی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس با توجه به ویژگی ها، ظرفیت ها، توانمندیها و ارزیابی میزان همبستگی های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، سازمانی و میزان مراودات و مناسبات فی مابین آنها بدون توجه جدی به نقش عوامل خارجی، تنها یک شناخت ساده، سطحی و تک علتی از مسائل منطقه و همگرایی به ما ارائه می دهد. (۱)

شش کشور عضو شورای همکاری با تأسیس شورای مزبور بر آن شدند تا به نحو مؤثرتر و بهتری به اهداف سیاسی - اقتصادی - دفاعی - امنیتی خود جامعه عمل بپوشانند و از این رهگذر نقش فعالتری در عرصه منطقه ای و فرامنطقه ای

بدست آورند. اما این کشورها در راه رسیدن به اهداف مزبور همواره با نوعی تششت آراء و واگرایی مواجه بوده اند، بطوریکه در بسیاری از موارد از دستیابی به راهکارهای عملی و حصول نتیجه بازمانده اند.

۲۹ سال از عمر تشکیل سازمان شورای همکاری خلیج فارس می گذرد این مسئله به ذهن متبادر می شود که آیا شورا با این اوصاف به سمت همگرایی حرکت می کند؟ چه عوامل مشترک در کشورهای منطقه وجود دارد که توانایی تسریع روند همگرایی را دارد؟ برای رسیدن به همگرایی کشورهای منطقه با چه موانعی روبرو هستند؟

به نظرمی رسد که اختلافات دیرینه ارضی و مرزی و اقتصادهای متوازی و نه مکمل واز همه مهمتر رقابتهای قدرتهای منطقه ای و منافع قدرتهای برون از منطقه بر عوامل همگراساز از جمله علل تاریخی (مستعمره بودن)، مذهبی (اسلامی بودن)، فرهنگی (نژاد و زبان عربی داشتن)، اجتماعی (آداب و رسوم مشابه)، موقعیت جغرافیایی (قرار گرفتن در یک منطقه) غلبه یافته است و موجب شده است که شورا در زمینه اقتصادی و دفاعی و امنیتی به سمت واگرایی و از سویی دیگر در زمینه سیاست خارجی بویژه در مقابل ایران (به دلیل وابستگی سیاسی دولتهای محافظه کار عرب منطقه به آمریکا و غرب و تأثیر عمیق آن بر فرآیند سیاستگذاری های منطقه ای این کشورها؛ تا جایی که این کشورها در تمامی اقدامات و تصمیمات خارجی و منطقه ای خود ملاحظات سیاسی و وفاداری به غرب و آمریکا را مد نظر دارند.) به سمت همگرایی حرکت کنند.

۲- سؤال تحقیق

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به سمت همگرایی حرکت می کنند یا واگرایی؟

۳- فرضیه تحقیق

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از نظر سیاسی به سمت همگرایی و از نظر دفاعی-امنیتی و اقتصادی به سمت واگرایی پیش می روند و پیشرفتی در زمینه همگرایی در این حوزه ها دیده نمی شود.

۴-متغیرها

متغیر مستقل: عوامل همگرایی و واگرایی

متغیر وابسته: همگرایی سیاسی، دفاعی-امنیتی-اقتصادی

۵-ادبیات تحقیق (پیشینه ی تحقیق)

پیرامون موضوعات مربوط به خلیج فارس کتب و مقالات زیادی اعم از داخلی و خارجی نوشته شده است. ولی محتوای این نوشته ها اغلب دارای مفاهیمی کلی از موضوعات خلیج فارس است که نویسندگان در طی چند صفحه به کل مسائل خلیج فارس اعم از مسائل تاریخی، حدود جغرافیایی، مسائل ژئوپلتیکی و استراتژیکی، اختلافات مرزی-قومی و سایر مسائل کشورهای خلیج فارس پرداخته اند که به علت حجم و گستردگی موضوعات هر کدام از آنها نیازمند تحقیقات مفصل در قالب چند مجلد کتاب جداگانه هستند. در سایر تحقیقات و خصوصاً تلاشهایی که از جانب وزارت امور خارجه در قالب مجموع مقالات سمینارهای خلیج فارس ارائه گردیده است مطالب عموماً پراکنده، سطحی و جزئی می باشند که به خاطر ضیق وقت و محدودیتهایی که طبیعت چنین کنفرانسهایی ایجاب می کند محققین نتوانسته اند عوامل همگرایی و واگرایی کشورهای حوزه ی خلیج فارس را بطور کامل شناسایی نمایند و چنانچه بحثی هم صورت گرفته ریشه ای نیست.

از جمله کسانی که در زمینه خلیج فارس تحقیقات فراوانی انجام داده است و حاصل کار خود را در چندین اثر منتشر کرده است آقای دکتر اصغر جعفری ولدانی است که از جمله اثرات او در این زمینه؛ تحولات مرزها و نقش

ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس، نگاهی تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی و کانونهای بحران در خلیج فارس می باشد که در این تحقیق استفاده شده اند. کتاب نگاه تاریخی به جزایر ایرانی تنب و ابوموسی شامل موضوعات خلیج فارس با جهت گیری در مورد اختلافات مرزی و ارضی بین کشورهای عربی و خصوصاً جزایر سه گانه ایرانی است. این کتاب از آنجایی که بنا به تحولات منطقه و اوج گیری ادعاهای امارات در پاسخ به نیازهای روز نوشته شده است نگاهی گذرا به عوامل همگرا و واگرا بین کشورهای عربی داشته و اختصاصاً به موضوع این جزایر پرداخته است.

هم چنین از جمله کتابهایی که در زمینه موضوعات و مسائل خلیج فارس نگاشته شده است کتاب خلیج فارس و مسائل آن از دکتر همایون الهی است. این کتاب ابتدا سوابق حضور ایرانیان را در خلیج فارس بررسی کرده است و سپس به سایر موضوعات اختلاف خلیج فارس پرداخته است و همینطور به زمینه های مداخله انگلستان و آمریکا در منطقه پرداخته و تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را با تمامی جوانب آن مورد بحث قرار داده است ولی این کتاب به بحث همگرایی و واگرایی بین کشورهای عضو این سازمان پرداخته است. از دیگر کتب نگاشته شده در این زمینه کتاب، مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران است که توسط آقای بهمن نعیمی ارفع به تحریر در آمده است و این اثر هم صرفاً به مبحث زمینه شکل گیری، اهداف، محدودیتها و سیاست شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران و عراق پرداخته است. اثر دیگری در این زمینه را می توان از دکتر پیروز مجتهد زاده نام برد که تحت عنوان کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس نگاشته شده است این اثر هم به اختلافات مرزی و ادعاهای ارضی میان کشورهای حوزه ی خلیج فارس پرداخته است ولی این اثر هم شامل موضوعات کلی است و اختصاصاً به بحث همگرایی و واگرایی بین کشورهای خلیج فارس پرداخته است. همچنین از دیگر منابع مهم در زمینه خلیج فارس کتاب خلیج فارس و نقش استراتژیک

تنگه هرمز نوشته دکتر محمد رضا حافظ نیا می باشد که مطالب مختصری را راجع به تاریخچه، عملکرد و علل تشکیل شورا ذکر کرده و محور اصلی مباحث را حول نقش استراتژیک اقتصادی تنگه هرمز و اهداف و استراتژی قدرتهای جهانی در این تنگه قرار داده است. آقای بیژن اسدی نیز در کتاب خلیج فارس و مسائل آن به مسائل جغرافیایی و تاریخی و سیاسی اقتصادی خلیج فارس پرداخته و در فصل هشتم کتاب خود به شورای همکاری خلیج فارس (PGCC) و نقش منطقه ای آن پرداخته است. نگارنده استفاده زیادی از مجموعه ی سمینارهای خلیج فارس نموده است و در حقیقت سعی شده است تا مطالب پراکنده این مقالات در یک مجموعه ی تسلسلی و زنجیره وار گرد هم آیند و این موضوعات پراکنده در کنار همدیگر بخشی از نیازهای محققین این زمینه را برآورده سازد.

تحقیق و تفحص در مجموعه ی کارهای مربوط به خلیج فارس یک خلاء را آشکار می ساخت و آن اینکه موضوع عوامل همگرایی و واگرایی کشورهای سازمان همکاری خلیج فارس در یک اثر مجزا به چشم نمی خورد و سعی محقق این بوده است تا مجموعه ی مطالب را به همراه تحقیقاتی در یک مجلد گرد آوری نماید تا بدینوسیله خلاء موجود پر شود و کسانی که علاقمند به مطالعه ی مسائل خلیج فارس هستند بتوانند از این تلاش نتیجه و ثمره ای حاصل نمایند.

۶- اهداف تحقیق

هدف هر پژوهش عبارت خواهد بود از پیشبرد دانش انسان درباره ی واقعیات جهان از طریق کشف «رابطه بین دو متغیر» لذا در مجموعه حاضر ضمن شنا سایی متغیرهای مؤثر در فرآیند همگرایی و واگرایی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، مراد اصلی از این پژوهش آن است که با نشان دادن مزایا و امتیازات همگرایی و وفاق منطقه ای و نیز مشخص نمودن عوامل واگرا (از جمله قدرتهای برون منطقه ای که تنها به منافع خود می اندیشند) کشورهای عضو سازمان شورای همکاری خلیج فارس را ترغیب نماید تا با حسن تفاهم به سمت همکاری

و ارتباطات منطقه ای در جهت افزایش منافع متقابل و مقابله با تهدیدات طبیعی و غیر طبیعی گرایش پیدا کنند از طرف دیگر همگرایی موفق و کارآمد در بین کشورهای عضو این سازمان می تواند راه را برای تحقق ایده ی اتحاد کشورهای جنوب غربی آسیا فراهم کند و کمک شایانی به برقراری ثبات و آرامش در منطقه ی خلیج فارس نموده و عامل مهمی در کاهش تنش ها در منطقه باشد، و هرچه همگرایی در میان کشورهای منطقه بیشتر تقویت شود از حضور نیروهای بیگانه در این منطقه کاسته خواهد شد **و مهمتر از همه اینکه** کشورهای عضو شورای همکاری از جهات گوناگون برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت می باشند. این کشورها با ایران دارای مرز مشترک آبی بوده و در نقشه ژئوپلیتیک منطقه دارای جایگاه ویژه ای می باشند. قطع نظر از اهمیت سیاسی، این کشورها برای اقتصاد ایران حائز اهمیت می باشند. برای مثال برای آنکه اوپک بتواند بهای نفت را در سطح معقولی حفظ کند، همکاری آنان ضروری است و آنها برای بازار صادرات غیر نفتی ایران بازار نسبتاً بزرگی را عرضه می کنند، منابع بالقوه سرمایه هستند...

۷- روش تحقیق

تحلیلی، توصیفی، تاریخی.

۸- روش گرد آوری اطلاعات و داده ها

در گردآوری مطالب و نظریات این تحقیق از منابع ثانویه استفاده شده است که مراد همان استفاده از مکتوبات و تحقیقات دیگر محققین، صاحب نظران و متخصصان در امر خلیج فارس می باشد و با توجه به فرضیه، ماهیت، موضوع و هدف تحقیق؛ جمع آوری اطلاعات بصورت روش کتابخانه ای و استفاده از کتب، مجلات، اسناد و روزنامه و اینترنت و بولتن می باشد.

۹- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح:

«همگرایی» واژه ای است که در برابر «واگرایی» آورده می شود و عبارت از فرآیندی است که دولتها یا واحدهای سیاسی بطور داوطلبانه و آگاهانه از قسمتی از اقتدار خود جهت دستیابی به اهداف مشترک شان صرف نظر کرده و از قدرت مافوق ملی تبعیت می کنند. (۲)

هم چنین اشیپگل و کانتوری «همگرایی» را روندی قلمداد می کنند که در آن تعیین میزان همگرایی منطقه ای معلول چهار عامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و سازمانی است که در بین کشورهای یک منطقه بایستی تقویت شود و عکس این روند را «واگرایی» قلمداد می کنند. (۳)

«واگرایی» به معنی از دست دادن وحدت و پیوستگی است و نیز به معنی قطعه قطعه شدن، تجزیه، ذرات پراکنده و قسمت‌های مجزا است. در مورد واگرایی می توان گفت همانطور که عوامل و انگیزه های گوناگونی سبب توسعه و همکاری و برقراری اتحاد و همگرایی میان کشورهای متفاوت می شوند عوامل مختلفی نیز در واگرایی و ایجاد تعارض میان دولتها مؤثر می افتند که از جمله این عوامل و متغیرهای گوناگون واگرایی می توان به عوامل انسانی و روانی، اجتماعی، واحدهای سیاسی، نظام بین الملل و متغیرهای اجتماعی بین المللی اشاره کرد.

به عبارت دیگر واگرایی عبارت است از تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سمت هدفهای خاص. (۴)

در این تحقیق هم چنین منظور از «اختلافات ارضی» اختلافات در مورد قلمرو و منظور از «اختلافات مرزی» عدم توافق در مورد محل دقیق مرزهاست. (۵)

منظور از «عوامل اقتصادی» واگرایی کشورهای عضو سازمان تولیدات مشابه و اقتصادهای موازی و نه مکمل می باشد.

منظور از همگرایی سیاسی هم، عمل و اقدام هماهنگ گروهی از کشورها مورد نظر می باشد، که در سیاست های داخل یا خارجی خود از مشی و سیاست های مشترک پیروی می نمایند. (۶)

عوامل امنیتی دفاعی: یکی از عوامل همگرایی میان کشورها ضرورت مقابله با تهدیدات مشترک داخلی یا خارجی است. (۷)

منظور از «سازمان شورای همکاری خلیج فارس» شش کشور حوزه ی خلیج فارس یعنی قطر، بحرین، کویت، عربستان سعودی، امارات متحده ی عربی و عمان می باشند که در جریان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران گردهم آمدند.

منظور از «منطقه» مجموعه ای از دولتهای مستقل سیاسی که از نظر جغرافیایی در نزدیکی یکدیگر واقع شده و احتمال دارد به درون مجموعه ای واحد و یکپارچه از اتحادها یا سازمانها و یا بحران و تنش کشیده شوند. این واژه گاهی نواحی گسترده ای را در بر می گیرد که لزوماً کشورهای درونی آن به لحاظ جغرافیایی همسایه ی یکدیگر نیستند، مثلاً خاورمیانه. (۸)

۱۰- سازماندهی تحقیق

این تحقیق به پنج فصل تقسیم شده است که در فصل اول کلیات تحقیق شامل طرح و تبیین مسأله، اهداف تحقیق، سؤالات اصلی و فرضیه ها، تعریف مفاهیم و متغیرها، روش تحقیق و پیشینه تحقیق و سوابق آن بیان می شود. در فصل دوم مباحث تئوریک پیرامون همگرایی و رهیافتهای نظری همگرایی منطقه ای بررسی می شود چنانکه در